

T
h
e

S

نقش اثباتی ادله نوین بانگشرعی به نظریه منطقه الفراغ شهید صدر

i

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۸

محمدجواد هاشم‌زاده^۱ مرتضی فتاحی^۲

n

در فقه و حقوق موضوعه ادله اثبات جرم محدود به ادله سنتی شامل اقرار، بینه، قسامه (در صورت تحقق لوث برای اثبات قتل و جرح) و علم قاضی می باشد. لکن با پیشرفت و گسترش علوم تجربی در زمینه های مختلف، روش های علمی و تجربی جدیدی مانند پزشکی قانونی، انگشت نگاری، تشخیص هویت ژنتیکی، که همه در کشف حقیقت و حصول اقناع و وجدان قاضی و اتخاذ تصمیم عادلانه وی موثرند و می توانند به عنوان ادله جدیدی برای اثبات دعوی کیفری قرار بگیرند ولی از سوی دیگر التزام به شرع و قانون مقتضی تحصیل جواز استفاده از اینگونه دلایل برای اثبات جرم می باشد. از آنجایی که بسیاری از این ادله در اعصار پیشین وجود نداشته اند بنابراین سببی برای بحث از تجویز یا عدم تجویز تمسک به اینگونه دلایل و نقش آن ها در اثبات جرایم مستوجب حد و تعزیر وجود نداشته است. اما در عصر حاضر با پیدایش شیوه های جدید کشف حقیقت (ادله نوین) بحث از جایگاه آن ها در اثبات جرایم مستوجب حد و تعزیر ضرورت پیدا کرده است. که به نظر می رسد در بخش جرایم مستوجب حد به جهت تبعیدی بودن دستورات شارع مقدس، ادله اثبات منحصر به موارد مذکور در شرع بوده و از دلایل نوین در راستای ایجاد علم برای قاضی استفاده نموده لکن در بخش تعزیرات غیر منصوص شرعی می توان با داخل نمودن آن در منطقه فراغ استنباط نمود که شارع نسبت به ادله نوین حکم الزام آوری وضع نموده و با توجه به مقتضیات زمان قائل به تعمیم ادله اثبات دعوا شد.

J

واژگان کلیدی: ادله نوین، حد، تعزیر، منطقه الفراغ

u

r

i

s

p

r

u

d

مقدمه:

e

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

^۲ استادیار گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

n

c

e

n

d

دلیل ترسیم خطی است که مراحل مختلف دارای کیفی را از لحاظ کشف جرم تا صدور حکم به هم پیوند می دهد. اگر چه دلیل هرگز هدف دادرسی نیست اما همواره مهمترین عاملی است که به وسیله آن احقاق حق صورت می پذیرد و امکان حرکت منظم چرخه های عدالت کیفی را فراهم می آورد، تحصیل دلیل یکی از موضوعات اصولی و اساسی دادرسی کیفی است تا آن چه که بدون وجود دلیل امکان انتساب جرم و به تبع آن اجرای مجازات وجود ندارد، دلیل رد عادی کیفی نسبت به مسائل دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا با تضمینات اساسی اشخاص به ویژه اصلی براءت که می تواند تحت کشفیات و شیوه های جدیدی را جهت اثبات موضوعات ارائه داده است لکن با عنایت به احصاء ادله در فقه و نظام حقوقی اسلام این سوالات مطرح می گردد ۱- آیا می توان ادله مذکور را به عنوان دلیلی مستقل از شهادت شهود و سایر ادله مصرح و برای آنها حکم صادر نمود ۲- چه محدودیتی در استفاده از این ادله در اثبات جرایم مستوجب حدیاتعزیر وجود دارد ۳- با توجه به تعبدی بودن احکام الهی در حدود بر اساس نظریه منطقه الفراغ نقش ادله نوظهور در استنادپذیری و اثبات مطلق جرایم چیست؟ پاسخ به این سوالات نیاز به شناخت ماهیت حقوقی ادله نوین و جایگاه آن فقه در نظام کیفی ایران دارد که برای اثبات موضوع در این مقاله که با روش کتابخانه ای تحقیق شده است، پس از بیان نظام حاکم بر ادله و تبیین مفهوم دلیل در بخش اول، در بخش دیگر به بحث در مورد ادله نوین و ماهیت آن پرداخته شده و سپس با تبیین نظریه منطقه الفراغ شهید صدر، پاسخ این سوال داده خواهد شد که با مراجعه به موازین و منابع فقهی و بررسی اقوال و نظرات فقها این نکته به دست می آید که شرع انور اسلام همیشه بدیع و نو است و شرع مقدس، نظام غایات و مقاصد و تأمین مصالح مشروع است. از مبادی منطقی و مقدمات چنین غایات و مقاصدی را نمی توان در چند دلیل یا طرق سنتی محدود نمود. مبنای اعتبار دلیل، کاشفیت آن از واقع است و هرآنچه کاشف از واقع باشد در مشروعیت استناد به آن نباید تردید کرد.

۱- نظام حاکم بر ادله در حقوق کیفی ایران:

۱-۱- نظام حاکم بر ادله در حقوق کیفی:

نظامهای حقوقی با سیستمهای متفاوت در ارتباط با ادله اثبات مواجه اند.

۱- سیستم ادله ی قانونی ۲- سیستم ادله ی آزاد و یا اقناع وجدانی ۳- سیستم مختلط

بین سیستم ادله ی قانونی و سیستم ادله ی آزاد چند تفاوت آشکار وجود دارد.

۱- در سیستم دلایل قانونی، ادله ی اثبات دعوی محدود و محصور به موارد مصرحه در قانون میباشد در حالیکه در سیستم دلایل آزاد و اقناع وجدانی مطرح بودن در قانون به معنای محدود بودن نیست و دادگاه میتواند از هر طریق مشروع به کشف حقیقت نایل آید.

۲- در سیستم ادله ی قانونی ، دلایل مثبتة دعوی موضوعیت دارند و با تحقق آن دلایل علیه متهم ، دادگاه مکلف به اصدار حکم محکومیت وی میباشد هر چند در باطن و ضمیر خویش بر برائت او معتقد باشد اما در سیستم دلایل آزاد، ادله ی مذکور در قوانین طریقت دارند و بسان تابلوهای راهنمایی میباشند و نتیجه ای که از این تفاوت حاصل می شود این است که در سیستم ادله ی قانونی شکل و صورت و در سیستم دلایل آزاد محتوا و ماهیت مهم است

۳- در سیستم ادله ی قانونی نقش دادگاه کمک به کشف دلیل است در صورتیکه در سیستم دیگری نقش دادگاه رسیدن به یقین و اقناع وجدانی است اقناع وجدانی که از طریق تحقیقات حاصل میشود و به عبارت دیگر هدف رسیدن به حقیقت مطلق است نه حقیقت قضائی. (گروه پژوهشی حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی (۱۳۸۰)، جایگاه ادله ی نوین در حقوق کیفری ایران، مشهد، دانشگاه علوم رضوی)

۴- در نظام دلیل قانونی ، مقنن در مقام قانونگذاری ادله ی لازم برای اثبات هر یک از جرائم را بطور دقیق مشخص میکند اما در سیستم ادله ی قضائی (سیستم ادله ی آزاد) دادگاه تشخیص میدهد که آیا دلایل ابرازی برای اثبات جرم و انتساب آن به متهم کافی است یا خیر؟

۱-۲- تبیین مفهوم دلیل و ماهیت آن :

دلیل در لغت به معانی گوناگونی از جمله راهنما، راهبر، نماینده و رهنمون آمد است (دهخدا، ع، ۱۳۴۰)، لغت نامه ج ۲۰ ، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران). تعریفی که توسط قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آمده است چنین است ((دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد مینمایند)).

۳-۱- سیستم حاکم بر ادله در فقه و حقوق ایران :

در نظام قضایی کشور ایران که بر حقوق اسلامی بنیان نهاده شده است ادله ی اثبات نیز منطبق بر فقه اسلامی است . چنانچه پیشینه ادله ی اثبات دعوی از منظر قوانین در نظر گرفته شود قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ شمسی که از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه به تاریخ هفدهم نوامبر ۱۸۰۸ میلادی اقتباس گردیده است، دلایل اثباتی بخصوصی را متذکر شده است اما با توجه به منشاء این قانون می توان عنوان کرد سیستم دلایل معنوی که در آیین دادرسی کیفری فرانسه مورد قبول واقع شده است ، در قانون ۱۲۹۰ شمسی نیز مورد قبول واقع شده است . علاوه بر مورد اخیر با مذاقه در مواد ۱۹۳-۱۹۴-۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۷ و مواد ۳۵۹ و ۳۶۰ از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می توان حاکمیت سیستم ادله معنوی را استنباط و این نکته را دریافت که هدف قانونگذار کشف حقیقت و حصول یقین برای قضات محاکم است و قضات دادگاهها حتی با وجود اقرار مختار به سنجش اقرار و سایر دلایل هستند تا جایی که برای قاضی اقناع وجدان جهت اصدار رای حاصل شود.

موارد زیادی در فقه و قوانین وجود دارد که دقیق ترین و جزئی ترین شرایط اثبات را معین کرده است و یا ادله ای که به اثبات دعاوی خاص اختصاص دارد مانند قسامه که فقط برای اثبات قتل و جرح در صورت بروز لوث، کاربرد دارد و یا در جرایم مستوجب حد که طرق اثباتی خاصی پیش بینی شده است که خصوصیات مذکور شباهت زیادی به خصوصیات سیستم ادله قانونی دارد لکن به صرف تشابه نیز نمی توان به یگانگی حکم داد.

۲- ادله ی نوین و حقوق کیفری ایران

۲-۱- تعریف ادله ی نوین :

امروزه با پیشرفت روز افزون علوم و کشف پدید آمدن تکنولوژیهای جدید، حوزه های مختلف حقوقی نیز همگام با سایر حوزه های علمی در مسیر پیشرفت گام برداشته اند در جوامع صنعتی و نظام های حقوقی کشورهای پیشرفته متناسب با تغییر شکل و ماهیت جرایم، حوزه ی قضا، اثبات دعاوی و جرایم و همچنین ادله ی قابل استناد در شکایات کیفری نیز متحول شده است.

در تعریف ادله ی نوین میتوان گفت : ادله ی نوین به هر گونه قرینه ، اماره و مشاهدات عینی و مادی اطلاق میشود که با پیشرفت علوم و دانش بشری و یا به حکم آن ایجاد شده و قابلیت ارائه و استناد داشته و دلیل بر مجرمیت و یا برائت متهم باشد .

۲-۲- ماهیت حقوقی ادله ی نوین:

در حقوق کشور ایران ادله اثبات مستقلی به نام ادله ی نوین وجود ندارد که در ردیف سایر دلایل قرار بگیرد و یا مستقلاً به استناد ادله ی نوین ، حکمی صادر شود مع الوصف نیز برداشت نمی شود که نظام حقوقی کشور ایران نسبت به ادله ی نوین ودستاوردهای دانش بشری بی تفاوت است و آیین دادرسی کیفری با استفاده از شیوه های نوین (مدرن) و جدیدی که کشف حقیقت را آسانتر میکند و اجازه دستیابی به واقعیت را میدهند مخالف نیست و امروزه پیشرفت علوم و فناوری ، آثار خود را در قاطبه زمینه ها با تخصیص وسایل و ابزار کشف و اثبات جرایم ، روشن ساخته است به نحوی که حتی صحت ادله سنتی مانند اقرار و غیره نیز به کمک ادله ی نوین مورد ارزیابی قرار میگیرد (تدین، ع، ۱۳۸۸، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸) لکن تعمیم دادن ادله اثبات دعوا نیز با چالش های جدی مواجه است زیرا در خصوص برخی جرایم ادله اثبات در فقه احصا شده میباشد و به همین دلیل باید در مختار بودن حکومت در تغییر روش اثبات جرایم حدی تردید و بلکه به عدم آنها حکم نمود.

۳- ادله ی نوین و منطقه الفراغ:

۱-۳- تبیین نظریه‌ی منطقه الفراغ:

منطقه الفراغ، نظریه‌ای است که قدمت بیشتری در بین اهل سنت داشته است و این نظر در بین اهل سنت از طرفداران زیادی برخوردار است و بعضاً با عنوان منطقه العفو نیز از آن یاد شده است. در میان دانشمندان و فقهای اهل تشیع، آیه... نائینی و چند تن دیگر این نظریه را مطرح کرده اند اما با این وجود، نظریه‌ی مزبور سابقاً در بین فقیهان اهل تشیع رواج چندانی نداشته است، لیکن با طرح آن از سوی شهید صدر (قدس ره) در بین فقها و دانشمندان شیعه نیز، متداول گشت. ایشان این نظریه را با عنوان منطقه الفراغ برای اولین بار در کتاب اقتصادنا و سپس در رساله‌ی «لمحه التمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه» در سال ۱۳۹۹ هجری مطرح نمودند. ایشان در این رساله در تبیین این نظریه نوشته اند: «فی حالات عدم وجود موقف حاسم للشرحه من تحریم أو ایجاب یكون للسلطه التشريعیه التي تمثل الأمة ان تسن من القوانين ما تراه صالحاً علی أن لا یتعارض مع الدستور و تسمى مجالات هذه القوانين بمنطقه الفراغ و تشمل هذه المنطقه كل الحالات التي تركت الشریعه فیها للمكلف اختیار اتخاذ الموقف فإن (فأن) من حق السلطه التشريعیه أن تفرض علیه موقف معین و فحماً لما تقدره من المصالح العامه علی أن لا یتعارض مع الدستور». در واقع مبنای طرح نظریه‌ی «منطقه الفراغ» این موضوع است که دستورات شارع مقدس بر دو نوع است. قسمی از احکام شرع مقدس ثابت و لایتغیر است و از نظر فقهی هم مسلم و در آن اختلاف نیست. این دسته از احکام ثابت اگر ناظر به زندگی اجتماعی مردم باشد بخش حقوق اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و چنانچه در این حوزه، حکم الزام آور و قطعی دال بر وجوب یا حرمت از سوی شارع وجود نداشته باشد، قوه‌ی مقننه که منتخب مردم است، می‌تواند اقدام به وضع قوانینی بنماید که خودش صلاح می‌داند مشروط بر آن که مغایر قوانین ثابت یا به عبارتی معارض حقوق اساسی نباشد، این حوزه را «منطقه الفراغ» نام گذاری کرده اند و قوانینی بدین شکل تصویب می‌شوند قوانینی هستند که در حوزه‌ی «منطقه الفراغ» قرار دارند. از دیدگاه شهید صدر «منطقه الفراغ» به محدوده‌ای از زندگی اجتماعی اطلاق میشود که قانونگذاری در آن محدوده بر عهده‌ی حکومت قرار گرفته است. به عبارت دیگر مکتب اسلام دارای دو جنبه‌ی مستقل است که یکی به طور منجز به وسیله شارع مقدس تعیین گردیده و تغییر و تحول در آن ممکن نیست اما جنبه‌ی دیگر دارای این ویژگی نمی‌باشد بلکه تغییر و تغییر در آن ممکن است و دستور الزام آوری در آن صادر نشده است و خالی از دستور منجزو «لایتغیر» می‌باشد. در این موارد حاکم اسلامی میتواند بر مبنای مصلحت اجتماع و اقتضائات زمان و مکان نسبت به وضع قوانین اقدام نماید. در واقع در هر جا که احکام شرعی مورد اختلاف نظر فقها باشد همه نظرات اجتماعی معتبر است، اما انتخاب هر یک از آنها بر عهده قوه مقننه است که بر اساس مصلحت عملی انجام می‌دهد که در واقع حوزه‌ای از زندگی اجتماعی است که قانونگذاری در آن حوزه بر عهده حکومت قرار گرفته است و شارع مقدس با ترک عمدی احکام الزام آور در این حوزه خواسته است تا با شرایط متفاوت قانونگذاری متناسب باشد و نیازها به مقتضای زمان و مکان تامین شود، نظریه منطقه الفراغ شهید صدر در خصوص مفاهیم اقتصادی و بررسی مکتب اقتصادی اسلام ارائه شده ولی می‌توان از مفاد آن در سایر عرصه‌ها نیز بهره جست آنچه که با طرح این نظریه به دنبال آن هستیم، اثبات این موضوع است اگر حکم الزام آور و قاطعی مبنی بر حرمت یا وجوب، وجود نداشت آیا قوه

مقننه می تواند احکامی متناسب با وضعیت جامعه وضع نماید یا خیر و آیا پذیرش این نظریه اساساً مستلزم تعمیم یافتن ادله اثبات و عدم تعیین آن و بالتبع برخوردها و رفتارهای متفاوت در حیطه ادله اثبات خواهد بود ؟

۲-۳- فلسفه جعل:

باتدبر در نظریه شهید صدر می توان دریافت که این نظریه برای سازگار ساختن نظام حقوقی اسلام با همه مکانها و زمانها ارائه شده است. هرچند این پرسش همیشه به ذهن می رسد با توجه به احصا ادله در نظام حقوقی اسلامی چگونه می توان یک نظام حقوقی ثابت را پاسخگوی نیازهای متغیر دانست و البته این موضوع باید مد نظر قرار گیرد که نه همه احکام شریعت متغیر هستند و نه همه مسائل نو پدید و مستحدثه است لکن منطقه الفراغ ، حوزه ای است که تشریح الزامی در آن منطقه وارد نشده و مکلف ملزم به فعل یا ترک فعلی نیست، اما حاکم شرع حق دارد در این منطقه تصرف کرده و حکم الزام آور جعل نماید و در واقع در حوزه منطقه الفراغ احکامی به وسیله حکومت وضع می شود که فقه حکومتی ناظر به آن است.

۳-۳- جایگاه ادله ی نوین در منطقه الفراغ :

بعد از شناخت مفهوم منطقه الفراغ ، اینک باید به این موضوع پرداخت که آیا ادله ی نوین می تواند در منطقه الفراغ قرار بگیرد یا خیر . نگارنده معتقد بر آن است که ادله ی نوین در واقع نقش اماره را ایفا می نماید و همچنین می تواند برای قاضی مفید علم باشد . از سوی دیگر در مواردی که دلایل اثباتی جنبه ی موضوعیت دارد نمی توان قائل به تعمیم ادله ی اثبات شد و حتی ولی امر نیز دارای این اختیار نیست که ادله ی اثبات را در این موارد ، بسط و توسعه بدهد . زیرا دلایل اثبات ، موضوعیت دارند و داخل در منطقه الفراغ نیستند لیکن در مصادیق و جرایمی که جرم انگاری آنها با حکم حکومتی است دلایل نوین قابلیت استفاده به عنوان دلیل را دارد و می تواند مصداق دلیل قرار بگیرد و همچنان که جرم انگاری برخی اعمال با حکم حکومتی است دلایل اثبات آن نیز با همان حکم تعیین می گردد . از این رو هم جرم انگاری این افعال و هم شیوه اثبات آنها ، داخل در منطقه الفراغ است و اختیار آن با ولی امر است که با توجه به پیشرفت علوم و پیچیدگی یافتن روش های ارتکاب بعضی از جرایم و به تبع آن سخت تر شدن اثبات آنها و اینکه اصلاً در زمان های قدیم ارتکاب برخی از جرایم موضوعاً منتفی بوده است با لحاظ حفظ امنیت و آرامش جامعه و مصالح و مقتضیات زمان و مکان ، راهکارهای پیشگیرانه ی مشابهی را محدوده ی اختیارات خود اتخاذ نماید. به عبارت دقیق تر در نظریه مذکور دو نوع رابطه جدا از هم وجود دارد که می تواند موضوع روابط حقوقی قرار گیرد فرع اول در واقع ناظر به روابط اشخاص با همدیگر است که به طور طبیعی ثابت بوده و دچار تطوّر و دگرگونی نیست لذا قواعد ناظر بر این حوزه باید ثابت باشد. گروه دوم که مربوط به روابط انسان با طبیعت است که این نوع رابطه به لحاظ تغییراتی که در سیطره انسان بر طبیعت پدید می آید قواعد آن هم تغییر می کند. عدم وضع قواعد ثابت در این حوزه به معنای نقص و اهمال نیست زیرا که عدم وضع قواعد تفضیلی ثابت، از ماهیت متغیر و متطور منطقه ناشی می گردد و

عناوین مطرح در این حوزه اصولاً قابلیت پذیرش احکام ثابت را ندارند و اساساً موضوع به گونه ای است که اگر نسبت به آنها احکام ثابت وضع شود، با حصول دگرگونی و تغییر در احوال، اهداف و نظر شریعت تأمین نخواهد شد، نمونه ای که مبرهن و تشریح کننده موضوع خواهد بود، مربوط به احیاء اراضی موات است، که در صدر اسلام هرکس اراضی موات را احیا می کرد، آن زمین در مالکیت وی قرار میگرفت و حتی احکامی در این زمینه از پیامبر گرامی اسلام نیز صادر شده است لکن در حال حاضر طبق قوانین مدون این اراضی در مالکیت دولت اسلامی قرار دارد بنابراین تملک زمین های موات داخل در منطقه فراغ است. در واقع می توان گفت ادله اثبات دعوی در سیستم حقوق اسلامی یک نظام را که شامل قواعد و مقررات خاصی می باشد تشکیل میدهد و قواعد حاکم بر این نظام مانند سایر احکام شریعت به دو گروه ثابت و متغیر تقسیم می شود، احکام ثابت برای پاسخ به نیازهای ثابت و احکام متغیر برای پاسخ به نیازهای متغیر، منطقه فراغ هم در واقع مربوط به حوزه نیازها و مسائل متصور در نظام ادله اثبات است و نبود آن موجب ناکارآمدی سیستم می شود، زیرا همانطور که پیشتر نیز اشاره شده بسیاری از مسائل و روشهای کشف جرم نو ظهور می باشد و بسیاری از جرایم نیز صبغه شرعی ندارند تا ادله اثبات آنها وجود داشته باشد حکومت به مقتضای زمان و نیازهای جامعه نسبت به جرم انگاری آن اعمال از طریق وضع قانون اقدام نموده است.

در بحث از نظام ادله اثبات در حقوق اسلام به طور کلی می توان دو نظریه را مطرح نموده طبق نظر اول قائل بر عدم دخول ادله اثبات در منطقه الفراغ و حصری بودن آن شد و نظر دوم اینکه ادله اثبات در منطقه الفراغ قرار دارند و غیرمحصور غیرمعین بوده و ممکن است در شرایط و زمانهای مختلف کیفیت و نحوه اثبات دعاوی و قضایا متفاوت باشد که نظریه اول در بین فقها عمومیت داشته و ادله اثبات را منحصر به اقرار، شهادت سوگند و اسناد غیرقابل انکار می دانند و برخی علاوه بر آنها، علم قاضی را هم بر تعداد ادله افزوده اند. که در میان ادله مذکور شهادت جزو مرسوم ترین و پرکاربردترین دلیل ها به شمار می آید و ادله مذکور همگی جزو ادله مرسوم و سنتی هستند اما امروزه در سایر علم و تکنولوژی دلایل جدید و نوینی برای اثبات موضوعات و اقتناع قاضی پا به عرصه وجود نهاده که به مراتب مطمئن تر از شهادت گواه است و چنان ظنی حاصل می کند که عرفاً می توان از آنها به عنوان ادله قطعی یاد کرد و احتمال خلاف در آنها بسیار کم است و پیشرفت علم تأثیر خود را در حوزه قضا و ادله اثبات جرایم نشان داده و متناسب با تغییر شکل و ماهیت جرائم، ادله قابل استناد نیز نسبت به اعصار گذشته دچار دگرگونی شده است حال با وجود این تطور و کشف شیوه های نوین علمی آیا می توان گفت ادله اثبات منحصر در موارد یاد شده است البته توجه به این نکته ضروری است که هر فعل به لحاظ تشریحی مباح است بنابراین هرفعالیت و عملی که نص تشریحی بر حرمت یا وجوب آن دلالت نکند ولی امر می تواند با دادن صفت ثانوی از آن منع یا به آن امر کند. قانونگذاری در حوزه منطقه الفراغ و ادله اثبات دعوا، به معنای مخالفت با احکام الهی و تغییر احکام واجب الهی نیست. زیرا حکم الزامی شرعی در این محدوده وجود ندارد تا سبب مخالفت با حکم خداوند باشد در واقع قانونگذاری در این حوزه بر اساس رعایت مصالح جامعه و توسط قوه مقننه خواهد بود.

در اعصار گذشته که جرایم عینیت بیشتری داشت و اغلب در معرض دید دیگران صورت میگرفت شهادت شهود قوی ترین دلیل و استشهاد برای تضمین قطعیت یک امر، رویه معمول بود که شارع مقدس هم احکام آن را مفصلاً بیان داشته لکن ادله نوین و نوظهور مانند ادله الکترونیکی و موجود در فضای مجازی، آزمایشات ژنتیکی و غیره که به واسطه پیشرفت تکنولوژی به وجود آمده است، در زمان شارع مقدس وجود نداشتند تا شارع مقدس احکام آن را بیان نماید و اصولاً دگرگونی و پیشرفت علم و گسترده شدن موضوعات باعث می شود که نتوان حکم ثابتی نسبت به آنها وضع کرد و در حالی که ادله علمی مذکور جهت اثبات امور، در رسیدگی ها مورد استفاده قرار گرفته و قطعیت آن به مراتب بیشتر از شهادت شهود است. در حوزه منطقه الفراغ اصل اولی، جواز و اباحه است و در خصوص استفاده از ادله نوین، به غیر از دو حکم جواز و منع نمی توان حکم دیگری داشت. طبق نظر شهید صدر (صدر، م، ۱۶۰۳، ق، دروس فی علم الاصول، بیروت، مکتبه المدرسه، دارالکتاب الفبانی) نظر مشهور فقها این است که بین حکم شرعی و حکم عقلی، ملازمه وجود دارد، البته برخی نیز بر این نظر هستند که در جایی که عقل به حسن یا قبح فعلی، حکم کند، حکم شرع ناممکن خواهد بود زیرا چنین حکمی از قبل موجود بوده است که قول مختار توسط شهید نظر اخیر است و چنین استدلال می نمایند شارع از برترین عقلاست، زمانی که عقلا به حسن یا قبح عملی حکم کنند شارع نیز داخل آن است، (مشکینی، ع، ۱۴۱۳، ق، اصطلاحات الاصول و معظم الجائمه، قم، دفتر نشر هادی)، همچنین گفته می شود هر فعلی که از سوی شارع مورد حکم و جوبی قرار گیرد، دارای مصلحت ملزمه است و هر فعلی که مورد نهی او باشد، دارای مفسده ملزمه است و عقل به این مفسده و ملزمه پی برده و آن را درک کرده و قبل از شارع به آن حکم داده است بنابراین می توان گفت در صورت عدم علم یا عدم ظن معتبر به احکام شرعی یا عدم وجود حکم شرعی می توان از حکم عقل تبعیت کرد و استفاده از ادله نوین را تجویز نموده همانگونه که در تشریح قوانین یکی از منابع مورد استناد، عرف عقل است. بنابراین با اثبات تطور و دگرگونی جرایم و هم چنین ادله اثبات و نیاز به جرم انگاری بعضی از اعمالی که جهت رعایت مصالح اجتماع و نظم عمومی و وضع قانون در این خصوص، می توان قائل شد که ادله اثبات داخل در منطقه الفراغ هستند فلذا دلایل مرسوم و سنتی موضوعیتی ندارند، لکن مبحث حدود و ادله اثبات آن از این قاعده مستثنی باشند، فی الواقع ادله اثبات دو کارکرد متفاوت و مجزا از هم دارند گاهی این نقش و کارکرد، در قالب اثبات حقوق فرد و جامعه در امور ترفعی ظاهر می گردد و گاهی هم جهت مراقبت از حدود الهی و اثبات حق الله است، در قسم اول همانگونه که اشاره شد قاعده منطقه الفراغ جاری است و ادله اثبات محصور نبوده و حکومت می تواند با قانون گذاری در آن حوزه احکام متفاوتی را وضع نماید. لکن در قسم اخیر و در مبحث حدود بحث ادله اثبات یک موضوع تعبدی است و اعتبار و تعداد آنها حاصل یک تعبد محض است و حتی اگر از شهادت افراد فاقد شرایط ظن قوی تری نسبت به شهادت بینه حاصل شود، اعتباری نخواهد داشت چرا که اعتبار بینه به حصول ظن نیست بلکه یک تعبد محض است و از این رو ادله اثبات در جرایم حدی از یک نظام ثابت پیروی می کند که قابل تغییر نبوده و وجود حکم الزام آور شارع در این خصوص، موجب خروج آن از منطقه فراغ است.

۴- جایگاه ادله ی نوین در حقوق کیفری ایران:

در نصوص فقهی هیچ کدام از دلایل نوین و نوبنیاد صراحتاً به عنوان دلیل مستقل بیان نشده اند و به صورت مستقل و اجد قدرت اثبات نیستند ولی از نقطه نظر قانونی در حقوق کیفری ایران، تبصره ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان داشته است: «مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات که نوعاً علم آور باشند می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد» فلذا از نظر قوانین موضوعه ادله ی مذکور دارای همان ارزشی هستند که امارات قضایی و قرائن دارا هستند و با کمک سایر دلایل و مدارک و قرائن اطمینان آور، علم و یقین قاضی را جهت صدور حکم جزایی تکمیل نماید و قاضی در مقام صدور حکم نمی تواند دلایل مذکور را مستند حکم قرار دهد و به عبارتی دیگر، ادله ی نوین قابلیت ایجاد علم را برای قاضی دارند و این یکی از همان طرق متعارفی است که در قانون بیان شده است و علمای حقوق نیز بر ضرورت استفاده از روش های نوین اثبات جرایم تاکید کرده اند و بی تردید به جواز و بلکه لزوم آن نظر داده اند و ضمن پذیرش علم قاضی به عنوان یکی از طرق اثبات جرایم در حقوق اسلامی، شیوه های جدید کشف و اثبات جرایم را که با استفاده از علوم مثل پزشکی قانونی، پلیس علمی، عکسبرداری جنایی و شیوه هایی چون آزمایش DNA، آزمایش خون، اثر انگشت و نظایر آنها ابداع گشته اند وارد حقوق جزایی اسلامی نموده اند. (میرمحمدصادقی، ح، ۱۳۸۶، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان) در نظر دیگری آمده است: «مبنای علم قاضی، یا ادله ی قانونی، به خصوص امارات قضایی است و یا اموری است که در عرف قانون گذار جزء ادله نیامده ولی برای قاضی یقین آور است، چون ضبط صوت و امثال آن» (عظیمی، م، ۱۳۸۱، ادله اثبات دعوی، تهران، موسسه انتشارات کسری) لکن با وجود مقرر قانونی مذکور و نظریات موافق، سیاست دو گانه و مبهم مقنن از یک سو و از سوی دیگر احصاء دلایل اثبات جرایم حدی و خصوصیات خاص این گونه جرایم و هم چنین نگرش و رفتار خاص شارع مقدس و ائمه ی معصوم (ع) درباره ی حدود، توجیه و جواب به سؤال را مشکل تر ساخته است.

۵- قلمرو اثباتی و دامنه کاربردی ادله ی نوین:

۵-۱ نقش ادله ی نوین در اثبات جرایم مستوجب حد:

حدود به دو بخش تقسیم می شود حدودی که جنبه ی حقّ اللّهی در آنها غلبه دارد مانند شرب خمر و حدودی که جنبه ی حقّ الناسی در آنها غالب است مانند حدّ سرقت. مانند اینکه شخصی متهم است به اینکه در سندی کتبی مرتکب سابّ النبی شده است و استکتاب از وی نیز مؤید این اتهام است اما متهم اتهام وارد شده را ردّ می کند نظر کارشناس خط چه جایگاهی دارد و یا این که با شرایط فوق فردی مرتکب قذف می شود سند کتبی و تأیید کارشناس خط آیا می تواند مؤید اتهام قذف باشد؟ و یا موارد فوق در فضای مجازی اتفاق بیافتد و دلایل سایبری مورد اتهام را تأیید کند. آیا مواردی که موجب علم قاضی هستند چه در حقوق الله و چه در حقوق الناس مطلقاً حجّت است یا صرفاً در حقّ الله حجّت دارد نه در حقّ الناس و یا بالعکس.

قانون گذار در قانون مجازات اسلامی ۹۲ در ماده ۲۲۱ بیان کرده است: «حاکم شرع می تواند در حقّ الله و حقّ الناس به علم خود عمل کند و حدّ الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم خود را ذکر سازد. . .». در ماده ۱۲۰ قانون مارالذکر نیز مقنن به جواز استناد به علم حکم نموده و شرط متعارف بودن آنرا ذکر کرده است: «حاکم شرع می تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود حکم کند.» هم چنین در ماده ۱۹۹ قانون مرقوم یکی از راههای اثبات سرقه مستوجب حد، علم قاضی معرفی شده است.

در ارتباط با حجیت ادله ی نوین در اثبات جرایم حدّی ابتدا باید بررسی شود منظور از مستندات بین در تحصیل علم چیست و آیا دلایل نوین می تواند جزء مستندات بین و به تبع مستند علم و موجب علم قاضی قرار گیرد؟ در پاسخ میتوان گفت علمی واجد ارزش اثباتی است که از طرق متعارف حاصل شده باشد و این بدین معناست که علم از راههای معمول عرفی در یک ارزیابی نوعی بدست آمده باشد و چنان باشد که برای هر فردی که از آن زاویه ناظر است ایجاد علم کند و علم نوعی باشد نه شخصی، بنابراین علمی که از طریق اوهام و ظنون مانند هیپوتیزم، خواب، مکاشفه و . . . بدست می آید حجیت ندارد و از طرق نوعاً علم آور می توان به معاینه ی محل، بازسازی صحنه جرم، امارات و . . . اشاره کرد. در توجیه آن می توان گفت که برای اینکه رای مستند به علم قاضی بتواند توسط قضات مراجع بالاتر بتواند باز بینی و ارزیابی مجدد قرار بگیرد علم استنادی باید از طرق عادی و نوعی حاصل شود.

۱-۵-۱- نقش ادله ی نوین در اثبات جرایم مستوجب حدّ واجد جنبه حقّ الهی:

در حدود الهی اصل اولی که مطلوب است توبه و برگشت به صراط مستقیم می باشد و با توجه به جریان اصولی مهمّ چون اصل ستر و جرم پوشی در اسلام در باب حدود و مجازاتهای الهی، مسامحه در اثبات جرایم مربوط به حقوق الهی، رفع حدود، یا عروض شبهه، عدم ثبوت حدود با یمین و منحصر بودن به تعداد شهود و اقرار خاص، و نیز عدم ثبوت حدود بر اساس قراین و امارات، نظریه موضوعیت داشتن ادله در حقوق ا... را تقویت می کند. (نوبهار، ر، ۱۳۸۹، - اهداف مجازات ها در جرایم عفافی در حقوق کیفری اسلام، قم، دانشگاه مفید) بنابر این نظر، خروج از ادله مذکور و منصوص در فقه و توسّل به سایر طرق جهت اثبات حد مجاز نیست. و طرق اثبات جرایم مستوجب حد تنها همان است که در دین اسلام وارد و در فقه بیان شده است و بعید به نظر می رسد که جرمی با این دقت نظر تعریف و کوچکترین جزئیات آن چه در مجازات و چه در ماهیت جرم، مطرح شود و سخت گیری تمام به عمل آید. آن گونه ای که امکان تخلف از آن ممکن نیست، اما در حیطه ی ادله ی اثبات آن به گونه ای دیگر عمل می شود به نحوی که امکان دخل و تصرف و ورود سایر طرق به آن امکان پذیر باشد. و این امر متناقض به نظر می رسد که در ذات حدود، محدودیت و سختی وجود داشته باشد اما در وسایل اثبات آن دید نامحدود و سهل انگارانه داشته باشد. بنابراین ذات حدود مبتنی بر مسامحه و ادله ی اثبات آن مبتنی بر دقت است و در جهت اجرای اصل ستر، تخفیف و مسامحه در اجرای حدود، ادله اثبات حدود نیز باید هماهنگ در راستای تحقق این هدف باشد. (همان) اما آنچه باید به آن توجه

داشت این است که آیا پذیرش موارد مذکور به معنای نفی کلی ادله ی نوین است؟ در پاسخ باید گفت منظور از عدم پذیرش ادله ی نوین و مقید بودن به دلایل منصوص شرعی به معنای نفی و رد کلی این گونه دلایل نیست و اگر گفته می شود این گونه دلایل قابل پذیرش نیستند به این مفهوم است که به عنوان یک دلیل مستقل و در ردیف سایر دلایل از جمله شهادت یا اقرار قابلیت استناد و اثبات جرایم را ندارند. لیکن این دسته از دلایل کارکردهای متفاوتی را در حیطه ی جرایم حدی دارند. که می توان دو نقش در جنبه ی اثباتی و یک نقش برای جنبه ی نفی در نظر گرفت علوم و تکنولوژی های روز و نقشی که دلایل نوین در جنبه نفی ایفا می کنند مربوط به تبرئه ی متهم است. از دلایل نو ظهور، می توان در جهت ایجاد شبهه و در راستای تبرئه ی متهمان استفاده کرد و بر اعتبار آن می توان به قاعده ی درء استناد کرد و از این حیث محدودیتی وجود ندارد و در طریق ایجاد شبهه نیز روش خاصی مدنظر نیست. در حیطه ی اثبات جرایم حدی، دلایل نوین کارکردهای متفاوتی پیدا می کند. نقش اولی که می توان در اینگونه دلایل قائل شد در پرتو اقرار است. اقرار شاه کلید دلایل و معتبر ترین دلیل در محاکم است که نمی توان ارزش اثباتی آن را انکار کرد. طبیعتاً نمی توان انتظار داشت که متهم به یکباره و به راحتی لب به اقرار باز کند و جزئیات عمل مجرمانه خویش را عنوان نماید. در بعضی موارد اخذ اقرار مستلزم تیز هوشی و ذکاوت و توامان استفاده از طرق خاص است. روش های جدید و ادله ی اثبات نوین این عملکرد را دارند که این قبیل دلایل از جمله فیلم های ضبط شده، نظریه های پزشکی قانونی و نظرات پلیس جنایی، آزمایشات انجام گرفته و . . . ، واقعیت را آنچنان بیان می نماید که مرتکب فعل مجرمانه تمام راهها را بسته می یابد و راهی جز اعتراف به جرم را در پیش روی خود نمی بیند و آنگاه است که پرده از مکتومات برداشته می شود و مجرمیت متهم اثبات می شود.

نقش بعدی که دلایل علمی در اثبات ایفا می کنند، ایجاد علم برای قاضی است که اغلب دلایل نوین در همین قالب و از جهت ایجاد علم برای قاضی، ارزش اثباتی به خود می گیرند. علمی که دلایل موصوف برای قاضی ایجاد می کنند یک علم نوعی است و نه علم شخصی، و علم نوعی نه تنها برای قاضی بلکه برای همگان حجّت است. بنابراین نیازی نیست که علم قاضی لزوماً از مبادی حسی تحصیل شود و مواردی مانند نتایج آزمایش و . . . نیز می تواند منبع علم برای قاضی باشد که البته در این مورد نیز این اسناد فی نفسه حجّت ندارند و آنچه حجّت است و از دلایل اثباتی جرم در نظر گرفته می شود علم قاضی است.

۵-۱-۲- نقش ادله ی نوین در اثبات جرایم مستوجب حدّ و اجد جنبه ی حقّ الناسی: جرایم حدی که دارای

جنبه ی حقّ الناسی می باشند می توان به قذف موضوع ماده ی ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی و سرقت موضوع ماده ی ۱۹۷ قانون مذکور اشاره کرد. جرم سرقت دارای دو جنبه ی کیفری و مدنی است که جنبه ی کیفری آن ناظر به اجرای حدّ سرقت و جنبه ی مدنی ناظر به استرداد اموال مسروقه می باشد و در جرایمی که ویژگی این چنینی دارند ادله اثبات آن نیز بعضاً جنبه ی کیفری را اثبات نمی کند و صرفاً می توان به ردّ حقّ الناس حکم نمود مانند شهادت فرع و سوگند که هیچ کدام حدّ سرقت را اثبات نمی کند ولی به وسیله ی آنها با یک بار اقرار می توان به ردّ مال حکم کرد. در قسمت

حقّ اللّهی جرایم ذوجنبتین، دلایل همان نقشی را دارند که در مطلب اخیر عنوان شد و مواردی همچون یمین، قسامه، شهادت زنان و ... در حقّ الناس جریان دارد. که نشان از این دارد که منظور شرع انور بهره گیری از تمام امکانات برای رسیدن به حقّ و احقاق حقّ مظلومان است. اختلاف در برخورد شارع نسبت به حقّ ... و حقّ الناس، قطعاً باید در مقدمات آن نیز حکمران باشد. «زیرا اگر شارع مقدس نسبت به حقوق ... اهتمام بیشتری دارد باید این اهتمام مضاعف و توجه خاصّ نسبت به یکی از بخشهای مهمّ دعاوی یعنی فرآیند رسیدگی و ادله ی اثبات نیز سایه افکننده باشد.» (بصیر پور، ق، ۱۳۸۴، رویکرد فقه جزایی نسبت به ادله اثبات جرایم، قم، دانشگاه مفید) بنابراین در اسلام حکم کردن در حقّ ... با قضاوت در حقّ الناس متفاوت است و آنچه که در حقّ ... مطرح می شود عدم تفتیش و مسامحه و کشف نکردن اسرار مردم است و لذا قواعدی همچون درء و ... به قاضی اجازه ی تحقیق و تفحص نمی دهد اما در حقّ الناس تکلیف به بررسی شده است و در این حوزه قضاوت یک امر تخصصی دانسته شده است (رازی زاده، م، ۱۳۸۰، قسامه در نظام قضایی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه) و در این راستا می تواند از همه طرق مشروع و از جمله از طرق علمی اثبات جرم نماید و پس از تلاش و عدم حصول نتیجه، در آن صورت می تواند با توجه به اصل برائت حکم بر برائت متّهم نماید.

۵-۲- نقش ادله ی نوین در اثبات جرایم مستوجب تعزیر:

در جرایم مستوجب مجازات های تعزیری، مانند خروج غیر قانونی از کشور، برهم زدن امنیت ملی، ادله ی اثبات طریقیّت دارند و می توان از تمام ادله ی مشروع و قانونی جهت اثبات جرم استفاده کرد، زیرا حاکمیت که اعمال مجرمانه را تعیین می کند خود نیز طرق اثبات آن را مشخص می کند و اصولاً جرایم سابقه ی شرعی نیز نداشته اند که بتوان در مورد طریقیّت داشتن ادله مناقشه کرد و حکومت رأساً به جرم انگاری آنها اقدام کرده است که سابقاً اشاره شد این موضوع داخل در منطقه فراغ بوده و قانونگذاری در آن به عهده حکومت قرار دارد لکن جرایم مستوجب تعزیر بر دو نوع منصوص شرعی و غیرمنصوص شرعی (حکومتی) است و نیز محدود کردن حقّ الله صرفاً به جرایم مستوجب حدّ، به این تعبیر که فقط جرایمی که مستوجب حدّ باشند، حقّ اللّهی هستند، قابل پذیرش به نظر نمی رسد، و باید تعزیرات (تعزیرات منصوص شرعی) را نیز حقّ ... در نظر گرفت، زیرا تعاریفی که در حقّ ... ارائه شد، شامل تعزیرات می شود، مانند تجاهر به انجام فعل حرام از تعزیرات و زیر مجموعه حقوق ... هستند و قواعد و اصول مربوط به حقّ ...، در تعزیرات نیز جریان دارد و می توان گفت اصولاً از حیث ادله ی اثبات دعوا تفاوتی بین جرایم تعزیری و حقّ اللّهی و حدّی وجود ندارند. محقق داماد در همین رابطه می نویسد: «معنای این لفظ (حدود) مطلق مجازات الهی است و از آنجا که این لفظ جمع، همراه با الف و لام بوده و مفید عموم است. شامل مجازات های تعزیری نیز می شود و هیچ دلیل خاصی که عموم این قاعده را تخصیص زده باشد و آن را به مجازات های معین (حدود) اختصاص دهد، وجود ندارد. . . اضافه بر اینها می توان با تنقیح مناط و لحاظ وحدت ملاک بر پایه های عقلانی، و فلسفه ی اجرای مجازات در شرع اسلام بر این عقیده بود که هیچ معنی در شمول قاعده نسبت به تعزیرات وجود ندارد.» (محقق داماد، م، ۱۳۸۱،

قواعد فقه بخش جزایی، ج ۴، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی (بنابراین اصل ستر و مطالبی که در مورد جرایم حدی ذکر شد در همین مورد نیز صادق و در تعزیرات نیز جاری است زیرا عمومات قاعده تدرء الحدود مطلقاً، چه در شبهات حکمیه و چه موضوعیه شامل تعزیرات شرعی نیز می شود و تمامی نکات مربوط به حدود در این باب نیز جاری خواهد بود. (موسوی بجنوردی، م، ۱۳۷۲، قواعد فقهیه، قم، نشر میعاد)

نتیجه گیری:

در اعصار گذشته جرایم عینیت بیشتری داشت و ادله ی اثبات به نحو معمول شهادت شهود بود اما با گذر زمان و تغییر شیوه ی ارتکاب جرایم، روند دادرسی و ادله ی اثبات آن نیز دچار تحوّل شد. پیشرفت علم راههای جدیدی را پیش روی دستگاه قضایی در جهت کشف جرایم و شناخت مجرم قرار داده است که سابقاً وجود نداشته اند... هر چند در فقه و حقوق موضوعه ادله ی اثبات جرایم محدود به ادله ی سنتی (اقرار، شهادت، قسامه) و علم قاضی می باشد و در متون قانونی و فقهی، هیچ کدام از دلایل نوین به طور مستقل جزء ادله ی اثبات دعوی به شمار نمی روند اما دلیلی بر منع استفاده از آنها نیز وجود ندارد و میتوان از آنها در راستای اقتناع وجدانی قاضی یا به عنوان قرینه و اماره و یا ایجاد علم نوعی برای قاضی استفاده کرد و علم نوعی باید به نحوی باشد که با به کارگیری این روشها، بتوان از وجود دال به وجود مدلول پی برد و ضمن تأکید بر اینکه از نظر قوانین موضوعه هیچ یک از این دلایل جنبه الزام آور ندارند، این نکته باید مدّ نظر قرار گیرد که ادله ی اثبات در حقّ ا... و حقّ الناس یکسان نیست و به عبارتی دیگر با توجه به فقدان ممنوعیت شرعی و قانونی در تمسک به اینگونه دلایل به عنوان قرائن و امارات، میتوان از آن به عنوان شبهه دارئه برای برائت متهم در حدود و حقّ الله استفاده نمود، لکن در حقّ الناس با توجه به اهمیت آن و تکلیف قضات به احقاق حق و لزوم استفاده از تمام ظرفیتهای اثباتی، لذا این حساسیت و اهمیت در ادله اثبات آن نیز تاثیر پذیر بوده است مانند یک بار اقرار در سرقت که فقط رد مال را اثبات می نماید و حد سرقت اثبات نمیشود و همچنانکه در تشریح نظریه منطقه الفراغ بیان شد منطقه الفراغ به محدوده ای از شریعت اسلامی معطوف است که به سبب ماهیت متغیر آن، احکام و موضوعات و عناوین می تواند متغیر باشد و وضع قوانین متناسب با مقتضیات زمان و مکان با حفظ ضوابط و در چارچوب معینی بر عهده ی ولی امر قرار گرفته است و پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز، هم مبلغ شریعت و هم ولی امر بوده اند و از این حیث قواعد و قوانینی را وضع نموده اند که قابلیت تغییر از سوی حاکم اسلامی و اولیاء امر بعدی را دارا می باشد و ولی امر مسلمین در مواجهه با این احکام آنها را ثابت تلقی نموده و می تواند با رعایت ضوابطی به قانونگذاری بپردازد لذا باین دیدگاه میتوان ضمن اصلاح قوانین موضوعه در باب ادله اثبات دعوا و تعمیم ادله اثبات، به عنوان دلیل مستقل در خصوص حقّ الناس یا اثبات جرایمی که فاقد صبغه شرعی هستند و یا برائت متهم در مطلق جرائم حقّ اللهی استفاده نمود لکن در اثبات حدود اعم از حقّ الناس یا حقّ الله، با توجه به اینکه شیوه اثبات این جرائم در شرع انور به صورت خاص پیش بینی شده است لذا ادله اثبات جرایم حدی یک امر تبعیدی بوده و امکان دخل و تصرف در نحوه و شیوه اثبات آن وجود ندارد و از حیث اثبات چنین جرائمی باید به مقید به ادله اثبات مصرح در شرع و قوانین موضوعه بود.

منابع:

الف) منابع فارسی

- ۱) ایرانی ارباطی، بابک، مجموعه نظریه های مشورتی جزایی، ج ۱، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸
- ۲) تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۸
- ۳) جعفری لنگرودی، محمد جعفر - دانشنامه حقوق، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۲
- ۴) دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ادله ی اثبات دعاوی کیفری، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی، چاپ آستان قدس، ۱۳۸۰
- ۵) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۲، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴
- ۶) رازی زاده، محمد علی - قسامه در نظام قضایی اسلام، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰
- ۷) عظیمی، محمد، ادله اثبات دعوی، تهران، موسسه انتشارات کسری، ۱۳۸۱
- ۸) محقق داماد، سید مصطفی - قواعد فقه بخش جزایی، ج ۴، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱
- ۹) مجموعه آراء فقهی قوه قضاییه در امور کیفری، ج ۲، تهران، معاونت آموزشی و تحقیقات قوه قضاییه، حوزه معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۱
- ۱۰) میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶
- ۱۱) موسوی بجنوردی، سید محمود، قواعد فقهیه، نشر ميعاد، ۱۳۷۲

ب) منابع عربی:

- ۱۲) قرآن کریم
- ۱۳) محمد باقر صدر، دروس فی علم الاصول - بیروت، مکتبه المدرسه، دارالکتاب الفبانی - ۱۶۰۳ هـ ق
- ۱۴) صدر، سید محمد باقر، (شهید صدر)، لمحہ الفقهیہ التمهیدیہ، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۷ م
- ۱۵) صدر، سید محمد باقر، (شهید صدر)، اقتصادنا، --
- ۱۶) صدر، سید محمد باقر، (شهید صدر)، فلسفتنا، ---
- ۱۷) علی مشکینی، اصطلاحات الاصول و معظم الجائمه، قم دفتر نشر هادی - ۱۴۱۳ هـ ق

ج) اسناد و قوانین:

- ۱۸) بخشنامه ی شماره ۱/۵۶۳۱۳ مورخه ۱۳۶۳/۱۲/۶ شورای عالی قضایی
- ۱۹) حکم شماره ۶۱۵، مورخه ۱۳۲۰/۳/۳۱ - شعبه دیوان عالی کشور - مجموعه متین ص ۳۰
- ۲۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲
- ۲۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

- (۲۲) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امورمدنی مصوب ۱۳۷۸
- (۲۳) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امورکیفری مصوب ۱۳۷۸
- (۲۴) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امورکیفری مصوب ۱۳۹۲

(د)پایان نامه

- (۲۵) قدیر بصیر پور، رویکرد فقه جزایی نسبت به ادله اثبات جرایم، پایان نامه کارشناسی ارشد- دانشگاه مفید- ۱۳۸۴
- (۲۶) رحیم نوبهار- اهداف مجازات ها در جرایم عفا فی در حقوق کیفری اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم شناسی، دانشگاه مفید ۱۳۸۹

References:**A) Persian References:**

- ۱) Arbati Irani, Babak, Criminal Advisory Theory Collection, Vol. ۱, Tehran, Majd Publications, ۲۰۰۹
- ۲) Tadayon, Abbas, Studying Reason in Criminal Procedure, Tehran, Mizan Publication, Fall ۲۰۰۹
- ۳) Jafari Langroudi, Mohammad Jafar Encyclopedia of Law, Tehran, Amir Kabir Publications, ۱۹۹۳
- ۴) Razavi University of Medical Sciences, Proof of Criminal Proceedings, Mashhad, University of Islamic Sciences, Astan Qods Press, ۲۰۰۱
- ۵) Dekhoda, Ali Akbar, Dictionary, Volume ۲, Tehran University Press, ۱۳۴
- ۶) Razi Zadeh, Mohammad Ali Qasameh in the Islamic Judicial System, Qom, Qom Seminary Publication Office, ۲۰۰۱
- ۷) Azimi, Mohammad, Proof of Proof of Claim, Tehran, Kasrai Publications Institute, ۲۰۰۲
- ۸) Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa The Rules of Jurisprudence of the Criminal Section, Vol. ۴, Tehran, Islamic Science Publishing Center, ۲۰۰۲
- ۹) Jurisprudence of the Judiciary in Criminal Affairs, Vol. ۲, Tehran, Deputy of Education and Research of the Judiciary, Deputy of Education and Research of the Judiciary, ۲۰۰۲
- ۱۰) Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, Crimes Against Persons, Tehran, Mizan Publication, ۲۰۰۷

۱۱) Mousavi Bojnourdi, Seyyed Mahmoud, Jurisprudence Rules, Miad Publishing, ۱۹۹۳

B) Arabic References:

۱۲) The Holy Quran

۱۳) Mohammad Baqir Sadr, Lessons in the Principles of Science - Beirut, al-Madrasah School, Al-Fabani Book of ۱۶۰۳ AH

۱۴) Sadr, Sayyid Mohammad Bagher, (Martyr Sadr), Lemha al-Faqhiyyah al-Tahmiyyah, Beirut, Dar al-A'mar Press, ۱۹۹۷

۱۶), philosophically,

۱۷) Ali Meshkinini, Idioms and Principles of Supreme Leader, Qom Hadi Publication Office ۱۴۱۳ AH

C) Documents and Rules:

۱۸) Circular No. ۵۶۳۱۳/۱ dated ۶/۱۲/۱۳۶۳ of the Supreme Judicial Council

۱۹) Decree No. ۶۱۵, dated ۳۱/۳/۱۳۲۰ - Supreme Court Branch of Matin Collection, p. ۳۰

۲۰) Islamic Penal Code adopted in ۱۳۶۲

۲۱) The Islamic Penal Code adopted in ۲۰۱۳

۲۲) The Code of Procedure of Public and Revolutionary Courts in Civil Affairs adopted in ۱۹۹۹

۲۳) The Code of Procedure of Public and Revolutionary Courts in Criminal Affairs adopted in ۱۹۹۹

۲۴) The Code of Procedure of the Courts of Public and Revolutionary Affairs adopted in ۲۰۱۳

D) Thesis

۲۵) Ghadir Basirpour, Criminal Jurisprudence Approach to Proof of Crime, Mofid Masters ۲۰۰۵

۲۶) Rahim Noubar, The Purposes of Punishment in Pardon Offenses in Islamic Criminal Law, Masters Degree in Criminal Law and Criminology, Mofid University ۲۰۱۰

Abstract

a positive role as proof of modern evidence in the region Alfaragh theory in jurisprudence and law, the proof of crime is limited to traditional arguments including confession, evidence, (in the face of realization of homicide) and the science of judge.

but with the advancement and development of experimental sciences in different fields, new scientific and empirical methods such as legal medicine, fingerprint recognition, identity recognition, which all contribute to the discovery of truth and the determination of judgment and judgment of the judge and to make a fair decision, can be presented as new evidence to prove criminal claims but on the other hand, commitment to the law and the appropriate law of education is to use these reasons to prove guilt. Since many of these reasons are not present in the past ages, there is no reason for arguing against prescribing or not prescribing, for reasons and their role in proving such crimes. but in the present era, by the emergence of new methods of discovering truth (new proofs), their position in proving the deserved penalties has been necessary. that in the crime section they seem to have the limit to their religious orthodoxy. on the other hand, there is a unique proof that it is applicable to the judge, but in the informal section, it can be inferred that it is necessary to impose a binding sentence on modern evidence and respect the requirements of time to apply proof of proof.

key words: new proofs, Had punishment, Ta'zir punishment, region Alfaragh theory

فی الفقه والاجتهاد القضائی، يقتصر الدلیل علی جرمه ما علی الأدلة التقليدية، بما فی ذلك الاعتراف، بینیت، القصمه (فی حاله وفاة الضحیه وعقوبه الإعدام)، ومعرفة القاضي. ومع ذلك، مع تقدم العلوم التجريبية وتوسيعها فی مختلف المجالات، يمكن للطرق العلمية والتجريبية الجديدة مثل الطب الشرعي وبصمات الأصابع والتعرف علی الجينوم، وكلها فعالة فی اكتشاف الحقيقة، وفي الحصول علی حكم القاضي وضميره وفي اتخاذ قراره العادل، العنوان هو دلیل جدید علی الملاحقة الجنائية، لكن، من ناحية أخرى، فإن الالتزام بالدراسة فی الشريعة وقانون، القانون هو استخدام هذه الأساس لإثبات وقوع جريمة. نظراً لأن العديد من هذه الأدلة لم تكن موجودة فی الماضي، فلا يوجد سبب لمناقشة وصف هذه الأسباب أو عدم وصفها ودورها فی إثبات الجرائم التي يعاقب عليها. ولكن فی الوقت الحاضر، ومع ظهور أساليب جديدة لاكتشاف الحقيقة (الدلیل الجديد)، أصبح من الضروري مناقشة موقفهم فی إثبات الجرائم الدقيقة المرتكبة. الذي يبدو أنه فی الجزء العلوي من قسم الجريمة، بسبب التعليمات نظراً لكون أوامر، الأوامر المقدسة مثبتة، فإن الدلیل قائم حصرياً علی الحالات المذكورة أعلاه فی الشريعة، وقد استخدمه القاضي لأسباب جديدة لإنشاء المعرفة، ولكن فی قسم المقدسات الدينية غير الموصوفة، يمكن استنتاجه من خلال إدخاله فی منطقة الفراغ، تم إصدار أمر جديد، ووفقاً لمتطلبات الوقت، تم الطعن فی تعميم إثبات النزاع.

الكلمات المفتاحية: دلیل جديد، الحد، التعزير، منطقة الفراغ

